



بازنمایی ایدئولوژی و قدرت در سند راهبردی

حزب جمهوریخواه در سال ۲۰۲۴



دکتر محمودرضا رهبرقاضی* - مریم قربانی**

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

اسناد راهبردی نقش کلیدی و مهمی در معرفی ایدئولوژی، سیاست‌ها و ارزش‌های بنیادین احزاب دارند و تأثیر قابل توجهی بر افکار عمومی کشورها می‌گذارد. این پلتفرم‌ها به‌عنوان اسناد راهبردی، توجه به نگرانی‌های اجتماعی را نشان می‌دهند و به بسیج حمایت مردمی کمک می‌کنند. در این راستا، این پژوهش به تحلیل گفتمان سند راهبردی حزب جمهوریخواه آمریکا که در سال ۲۰۲۴ تصویب شده است، پرداخته و تلاش می‌کند نحوه بازنمایی ایدئولوژی‌های محافظه‌کارانه و ملی‌گرایانه را در این سند بررسی کند. در این راستا، سوال اصلی تحقیق عبارت از این است که ایدئولوژی‌های محافظه‌کارانه، ملی‌گرایانه و ضدجهانی‌گرایی در بیانیه حزب جمهوریخواه آمریکا چگونه بازنمایی می‌شود. با استفاده از روش تحقیق تحلیل گفتمان انتقادی و رویکرد وندایک، این پژوهش نشان می‌دهد که حزب جمهوریخواه چگونه از طریق زبان و ایدئولوژی، توانسته هویت ملی و ضدیت با جهانی‌شدن را تقویت کند و با ایجاد دوگانه «ما» در برابر «آنها» به بسیج افکار عمومی بپردازد. همچنین این سند از مفاهیمی مانند «اول آمریکا» برای تقویت حس همبستگی و مقابله با تهدیدات خارجی بهره می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهند که حزب جمهوریخواه با تصویرسازی خود به عنوان ناجی ملت و مدافع ارزش‌های سنتی، حمایت اجتماعی را جذب و به مشروعیت‌بخشی ایدئولوژی محافظه‌کارانه خود در جامعه کمک می‌کند.

کلیدواژگان

سند راهبردی سال ۲۰۲۴، حزب جمهوریخواه آمریکا، ایدئولوژی، گفتمان محافظه‌کارانه، تحلیل گفتمان انتقادی

* نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران. / ایمیل: m.rahbarqazi@uma.ac.ir

** دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشگاه اوتاوا، کانادا. / ایمیل: mghor019@uottawa.ca

مقدمه

در سال‌های اخیر، افزایش تنش‌ها و دوگانگی‌های سیاسی در آمریکا، اهمیت بررسی گفتمان‌های سیاسی و ایدئولوژیک احزاب را دوچندان کرده است. در این راستا، حزب جمهوریخواه، به‌ویژه از زمان ظهور مجدد گفتمان‌های ملی‌گرایانه و محافظه‌کارانه، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به افکار عمومی و تأثیرگذاری بر فرهنگ و سیاست این کشور ایفا کرده است و بیانیه‌های حزبی که در قالب پلتفرم‌های انتخاباتی ارائه می‌شوند، نه تنها نقشه راهی برای سیاست‌گذاری‌ها هستند، بلکه بیانگر ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های بنیادین احزاب نیز محسوب می‌شوند. سندهای راهبردی احزاب مختلف از جمله حزب جمهوریخواه آمریکا، تلاشی برای جلب حمایت گروه‌های مختلف اجتماعی و تحکیم ارزش‌های سنتی است. این سند راهبردی با تأکید بر ارزش‌های ملی، امنیت داخلی، و حفظ هویت فرهنگی، مخاطبان خود را به عنوان مدافعان ملت به تصویر می‌کشد. چنین رویکردی در برابر تغییرات اجتماعی و فرهنگی، جایگاهی قدرتمند برای حزب جمهوریخواه ایجاد می‌کند که می‌تواند حمایت قشرهای محافظه‌کار و منتقد جریان‌های لیبرال را به همراه داشته باشد و مطالعه این رویکردها، امری ضروری است که می‌تواند در درک گفتمان‌های سیاسی موجود در آمریکا مفید باشد.

در این راستا، تحلیل گفتمان انتقادی و ندایک، به عنوان روشی مناسب برای بررسی ساختارهای قدرت و ایدئولوژی در متن‌های سیاسی، ابزار قدرتمندی برای فهم دقیق‌تر سند راهبردی حزب جمهوریخواه فراهم می‌آورد. این روش با تمرکز بر لایه‌های زبانی و شناختی، می‌تواند نحوه بازتولید ایدئولوژی و مشروعیت‌بخشی به قدرت را آشکار سازد و از این رو، استفاده از رویکرد و ندایک در تحلیل گفتمان حزب جمهوریخواه این امکان را می‌دهد که نه تنها ساختار زبانی بلکه تأثیرات اجتماعی و ایدئولوژیک آن نیز به‌طور عمیق بررسی شود. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، تحلیل چگونگی بازنمایی ایدئولوژی‌های محافظه‌کارانه، ملی‌گرایانه و ضدجهانی‌گرایی در بیانیه حزب جمهوریخواه آمریکا است. سوالات اصلی تحقیق عبارتند از: چگونه حزب جمهوریخواه با استفاده از زبان و گفتمان خاص خود مخاطبان را در جایگاه قهرمانان ملت قرار می‌دهد؟ چه ارزش‌هایی به عنوان اصول جامعه معرفی می‌شوند؟ و چگونه گفتمان‌های مورد استفاده به تثبیت قدرت و جذب حمایت مردمی می‌انجامند؟ در این راستا، این پژوهش ابتدا ادبیات تجربی و نظری مرتبط با موضوع پژوهش را ارائه می‌دهد، سپس در بخش روش تحقیق، روش تحلیل گفتمان انتقادی و ندایک تشریح می‌شود و پس از آن، داده‌های منتخب از سند راهبردی حزب جمهوریخواه در سال ۲۰۲۴ تحلیل و بررسی شده و در پایان، نتایج و پیامدهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این گفتمان‌ها بر افکار عمومی و سیاست‌های داخلی و خارجی آمریکا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه

در ایران نوری‌پور (۱۴۰۲) در پژوهش خود استدلال می‌کند که «پوپولیسم»، «اقتدارگرایی» و «ناسازگاری با طبقه حاکم» را می‌توان از مولفه‌های سیاسی گفتمان ترامپسم برشمرد و از مولفه‌های اقتصادی آن می‌توان به «نئولیبرالیسم»، «مخالفت با جهانی‌سازی» و «حمایت‌گرایی» اشاره کرد. فلاحی و حیدری (۱۳۹۸) در پژوهش خویش نشان می‌دهند که گفتمان سیاست خارجی ترامپ

علی‌رغم ظاهر ساختارشکنانه‌اش، در چارچوب حفظ و بازسازی هژمونی نظم جهانی لیبرال تعریف می‌شود و تداوم‌گر سنت سیاست خارجی رؤسای جمهور پیشین آمریکاست. ظریف و افجه ای (۱۴۰۲) در پژوهش خود نشان می‌دهند که هرچند گفتمان جمهوریخواهان در عصر جدید بر روی آمریکا تأکید می‌کند اما گفتمان سیاست خارجی آمریکا در مورد کشور ایران بر پایه امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران و توجیه فشار حداکثری برای دستیابی به توافقی جامع‌تر با استفاده از ابزارهای اقتصادی، سیاسی و گفتمانی استوار است. همچنین، جلالی و همکاران (۱۴۰۲) استدلال می‌کنند که گفتمان سیاست خارجی اواما با تأکید بر دیپلماسی و قدرت نرم در چارچوب رئالیسم تدافعی دنبال شد، در حالی که گفتمان سیاست خارجی ترامپ با گرایش به رئالیسم تهاجمی، بر قدرت سخت، یکجانبه‌گرایی و منافع ملی تأکید دارد.

در منابع خارجی، کتاب ملت راست‌گرا اثر میکلیتویت و وولدریج به تحلیل تاریخی و سیاسی ظهور محافظه‌کاری مدرن در آمریکا می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه احزاب، رهبران و جریان‌های اجتماعی در تثبیت این گفتمان نقش داشته‌اند (Micklethwait & Wooldridge, 2005). در همین زمینه، کوری رایین در کتاب ذهن ارتجاعی، محافظه‌کاری در آمریکای امروزی را واکنشی فعال به تهدیدات اجتماعی علیه ساختارهای قدرت و سلسله‌مراتب و نه صرفاً تلاشی برای حفظ وضع موجود، معرفی می‌کند (Robin, 2018). از سوی دیگر، در حوزه تأثیرات گفتمان‌های حزبی نیز فرناندز-وازکز با تحلیل تطابق برنامه‌های انتخاباتی و سیاست‌های واقعی، نقش آن‌ها را در شکل‌دهی تصویر سیاستی احزاب نزد رأی‌دهندگان بررسی می‌کند (Fernandez-Vazquez, 2014). همچنین، فاگان با بررسی تاریخی پلتفرم‌های حزبی آمریکا از ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۴ نشان می‌دهد که این اسناد حزبی می‌توانند بر دستور کار قانون‌گذاری تأثیرگذار باشند و فراتر از نقش نمادین عمل کنند (Fagan, 2018). نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین در آن است که برخلاف تحقیقات قبلی که عمدتاً به بررسی کلی گفتمان ترامپسیسم، سیاست خارجی جمهوریخواهان یا محافظه‌کاری آمریکایی پرداخته‌اند، این مقاله به‌طور مشخص سند راهبردی حزب جمهوریخواه در سال ۲۰۲۴ را به‌عنوان متنی رسمی و گفتمانی تحلیل می‌کند. با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک، این پژوهش به شکلی نوآورانه به واکاوی سازوکارهای بازنمایی ایدئولوژی و قدرت در این سند می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه حزب جمهوریخواه از طریق ساختارهای زبانی، مفهومی و معنایی، به بازتولید نظم قدرت، مشروعیت‌بخشی به سیاست‌ها و ترسیم مرزهای هویتی اقدام می‌کند. بنابراین، تمرکز بر این سند به‌عنوان یک ابزار گفتمانی فعال در سامان‌دهی به نظم سیاسی و اجتماعی مطلوب حزب، وجه‌میزه اصلی این تحقیق نسبت به مطالعات پیشین در حوزه گفتمان سیاسی ایالات متحده است.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

نظریه هژمونی گرامشی در زمینه تحلیل گفتمان احزاب محافظه‌کار می‌تواند چارچوبی جامع برای فهم ساختارهای قدرت ایدئولوژیک فراهم کند. بر اساس این نظریه، هژمونی به معنای فرایندی است که در آن گروهی حاکم به جای استفاده از قدرت مستقیم، از طریق فرهنگ، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های

غالب، بر افکار عمومی تسلط می‌یابد و رضایت مردم را برای حفظ نظام اجتماعی موجود جلب می‌کند (Howarth, 2015: 195-213). در این زمینه، رهبران با تکیه بر ارزش‌های ملی‌گرایانه و سنت‌گرایانه، سعی در ایجاد هژمونی فرهنگی دارند که به وسیله آن ارزش‌های خاص خود را به‌عنوان ارزش‌های عمومی و طبیعی جامعه معرفی کنند (Dukalskis & Lee, 2020: 1052-1068). به بیان دیگر، احزاب با به‌کارگیری مفاهیم ملی‌گرایانه در گفتمان خود، تلاش می‌کنند تا مخاطبان را در جایگاه مدافعان ملت قرار داده و آن‌ها را به پذیرش ایدئولوژی خاص خود ترغیب کند. این استراتژی به ایجاد یک فضای اجتماعی مساعد برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جلوگیری از چالش‌های داخلی کمک می‌کند. این رویکرد، نه تنها برای بسیج افکار عمومی به سمت ارزش‌های محافظه‌کارانه و مخالفت با جهانی شدن عمل می‌کند، بلکه به مشروعیت‌بخشی به قدرت حزب در ساختار اجتماعی کمک می‌کند، زیرا مردم این ارزش‌ها را به‌عنوان هنجارهای فرهنگی و اجتماعی می‌پذیرند (Scheiring et al., 2024: 1-25).

نظریه ایدئولوژی لویی آلتوسر، تئوری بیناکشنگری ایدئولوژیک^۱ یا همان مخاطب‌سازی، نیز چارچوبی تحلیلی برای درک شیوه‌ای فراهم می‌کند که احزاب از آن برای ایجاد همذات‌پنداری مخاطبان با ایدئولوژی محافظه‌کارانه خود بهره می‌گیرند. آلتوسر در این زمینه به اهمیت نهادهای ایدئولوژیک و تأثیر آن‌ها بر شکل‌دهی به هویت اجتماعی و سیاسی افراد اشاره می‌کند. آلتوسر ایدئولوژی را نه به‌عنوان یک ساختار صرفاً ذهنی، بلکه به‌مثابه سازوکاری مادی می‌بیند که افراد را در قالب هویت‌ها و نقش‌های خاصی قرار می‌دهد و آن‌ها را به پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای مسلط وامی‌دارد (Mauer, 2017). در این راستا، احزاب با استفاده از عبارات و گفتمان‌هایی مانند ملی‌گرایی، مخاطبان را بیناکشنگری کرده و آن‌ها را در این قالب به آن‌ها هویت می‌بخشد. این فرایند، که می‌تواند به تقویت احساس تعلق و همبستگی اجتماعی بین افراد منجر شود، نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتارهای سیاسی و اجتماعی آن‌ها ایفا می‌کند (Mandelbaum, 2023: 1-12). همچنین این فرایند بیناکشنگری، افراد را به پذیرش ناخودآگاه ارزش‌های محافظه‌کارانه، مانند اولویت‌دهی به امنیت داخلی و مخالفت با جهانی‌گرایی، سوق می‌دهد. به عبارت دیگر، از دیدگاه آلتوسری، ایدئولوژی برخی احزاب به شکلی ساختاری و ضمنی مخاطبان را مورد خطاب قرار داده و آن‌ها را در جایگاه حافظان ارزش‌های ناسیونالیستی قرار می‌دهد، که این امر به بازتولید و مشروعیت‌بخشی به گفتمان حاکم می‌انجامد (Shah, 2018: 3-13).

همچنین، نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزار قدرتمندی برای تحلیل فرآیند مفهوم‌سازی و ایجاد دوگانه «ما» در برابر «آن‌ها» است. این دوگانه‌سازی می‌تواند به جداسازی و تمایز بین گروه‌های مختلف اجتماعی کمک کند و به تقویت احساس جمعی و هویت گروهی دامن‌بزند (Dabirimehr & Fatmi, 2014: 1283-1287). در این راستا، برخی احزاب با استفاده از این نظریه می‌توانند

^۱. Interpellation

مرزبندی‌هایی را بین ارزش‌های خودی و تهدیدات خارجی یا داخلی ترسیم کنند، به طوری که این مرزبندی‌ها به بسیج افکار عمومی و تقویت احساس هویت جمعی کمک کند. لاکلا و موفه بر اهمیت ساختارهای زبانی و گفتمانی تأکید دارند که از طریق آن‌ها حزب می‌تواند نابرابری‌ها و تقابل‌ها را بازنمایی کند و به خلق هویت‌های مشترک پردازد. آن‌ها همچنین به نقش مهم زبان در فرایندهای اجتماعی و سیاسی اشاره می‌کنند و این که چگونه زبان می‌تواند به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت و کنترل اجتماعی عمل کند. این فرآیند نه تنها به شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی کمک می‌کند، بلکه درک بهتری از چگونگی تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تغییرات اجتماعی را فراهم می‌آورد (Torfing, 2003: 153-171). به طور کلی، این نظریه امکان تحلیل دقیق‌تری از نحوه شکل‌گیری و تقویت گفتمان‌های هویتی در سیاست را فراهم می‌کند.

سرانجام، در ادامه همین مسیر، تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک، که مبنای نظری و روشی این پژوهش را تشکیل می‌دهد، چارچوبی نظری ارائه می‌دهد که بررسی می‌کند چگونه ساختارهای گفتمانی روابط قدرت و نابرابری‌های اجتماعی را بازتولید، مشروعیت‌بخشی یا به چالش می‌کشند. این رویکرد که ریشه در زبان‌شناسی اجتماعی و نظریه انتقادی دارد، بر تعامل میان زبان، شناخت و جامعه تأکید می‌کند و استدلال می‌کند که گفتمان هم از ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد و هم آن‌ها را شکل می‌دهد. چارچوب ون دایک تحلیل متنی در سطح خرد (مانند انتخاب واژگان و نحو) را با زمینه‌های اجتماعی-سیاسی در سطح کلان ترکیب می‌کند و بر چگونگی استفاده احزاب و گروه‌های مسلط از گفتمان برای حفظ هژمونی، اغلب از طریق سازه‌های ایدئولوژیک ضمنی، تمرکز دارد. مفهوم «میانجی‌گری اجتماعی-شناختی» او نشان می‌دهد که مدل‌های ذهنی و بازنمایی‌های اجتماعی مشترک چگونه بر تولید و درک گفتمان تأثیر می‌گذارند (Van Dijk, 2010).

۳- تاریخچه موضوع

این پژوهش به تحلیل چگونگی استفاده از گفتمان برای بازنمایی و تقویت ایدئولوژی‌ها و روابط قدرت در یکی از مهم‌ترین اسناد راهبردی سیاسی در آمریکا می‌پردازد. تحلیل گفتمان به عنوان یک حوزه تحقیقاتی در علوم اجتماعی و سیاسی، به ویژه در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، اهمیت زیادی پیدا کرده است. از دهه ۱۹۷۰ به بعد، با توسعه نظریات انتقادی در زمینه زبان‌شناسی و سیاست، توجه به گفتمان‌های سیاسی و رسانه‌ای به عنوان ابزاری برای تحلیل روابط قدرت و ایدئولوژی در جامعه بیشتر شد (Reisigl, 2013). در این زمینه، سندهای راهبردی احزاب سیاسی، مخصوصاً در مقاطع انتخاباتی، نقش کلیدی در شکل‌دهی و هدایت افکار عمومی ایفا می‌کنند و این اسناد به طور مستقیم در ایجاد و بازتولید هژمونی سیاسی و اجتماعی از طریق زبان و ساختارهای معنایی، مخصوصاً در کشورهایی با دموکراسی‌های پیشرفته مانند ایالات متحده، تأثیرگذار هستند. در این راستا، روش‌های تحلیل گفتمان انتقادی، به ویژه رویکردهایی مانند تحلیل گفتمان ون دایک، توانسته‌اند به طور مؤثر به بررسی چگونگی تولید و بازسازی قدرت از طریق زبان و ساختارهای شناختی پردازند. ون دایک به ویژه بر این باور است که گفتمان نه تنها در سطح زبانی بلکه در سطح شناختی نیز به بازتولید

روابط قدرت می‌پردازد و بر ذهنیت و نگرش‌های افراد تأثیر می‌گذارد (Van Dijk, 1993: 703-752). بنابراین، تحلیل گفتمان‌های سیاسی با استفاده از این روش‌ها، می‌تواند به درک بهتری از نحوه بازنمایی ایدئولوژی‌ها و استراتژی‌های سیاسی در سند‌های راهبردی کمک کند. در این راستا، تحلیل سند راهبردی حزب جمهوریخواه در سال ۲۰۲۴ که موضوع این پژوهش را تشکیل می‌دهد، مخصوصاً از نظر مفاهیم ایدئولوژیک و سیاست‌های کلیدی مانند اقتصاد، سیاست خارجی، و ارزش‌های فرهنگی، می‌تواند نگاهی دقیق به روندهای جدید در سیاست‌های حزب و تأثیر آن بر افکار عمومی ارائه دهد (Republican Party, 2024).

تاریخچه استفاده از گفتمان‌های سیاسی برای بازنمایی قدرت و ایدئولوژی در احزاب سیاسی مخصوصاً در احزاب محافظه‌کار، به دهه‌ها پیش بازمی‌گردد. در ایالات متحده، حزب جمهوریخواه همواره تلاش کرده است تا از طریق گفتمان‌های خاص خود، نظیر تأکید بر ارزش‌های محافظه‌کارانه، بازار آزاد، و سیاست‌های ضد کمونیستی، و غیره قدرت خود را تقویت کند. سند‌های راهبردی حزب جمهوریخواه، به‌ویژه در مقاطع انتخاباتی، به‌عنوان ابزارهایی برای مشروعیت‌بخشی به این ایدئولوژی‌ها و سیاست‌ها استفاده می‌شوند. در سال ۲۰۲۴، این سند به‌ویژه به موضوعاتی مانند اقتصاد، سیاست‌های داخلی، و روابط خارجی پرداخته است که هر کدام بازنمایی‌های خاص خود را از قدرت و ایدئولوژی در بر دارند. با توجه به اهمیت این اسناد در شکل‌دهی سیاست‌های عمومی و جلب حمایت مردمی، تحلیل گفتمان آن‌ها می‌تواند نگاهی عمیق به نحوه بازنمایی و تأثیرگذاری این ایدئولوژی‌ها بر جامعه و افکار عمومی فراهم آورد.

۴- تحلیل گفتمانی سند راهبردی حزب جمهوریخواه در سال ۲۰۲۴

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی و ندایک به بررسی ساختارهای زبانی و شناختی گفتمان‌های اجتماعی پرداخته است تا نحوه بازتولید قدرت و ایدئولوژی در گفتمان‌های سیاسی را تحلیل کند. تمامی داده‌ها از متن این سند راهبردی انتخاب شده‌اند که اهداف، سیاست‌ها و گفتمان‌های اصلی حزب را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منعکس می‌کند.

۴-۱- ساختارهای زبانی سند: نقش واژگان و عبارات در ترویج ملی‌گرایی و محافظه‌کاری
در تحلیل متن سند راهبردی حزب جمهوریخواه آمریکا با رویکرد ندایک، می‌توان بر سه سطح اصلی ساختار زبانی، انتخاب واژه‌ها و نوع عبارات تمرکز کرد:

در سطح ساختار زبانی، سند از ترکیب‌های زبانی مستقیم و بیانیه‌وار بهره می‌برد. این سبک زبانی به قصد تأکید و تأثیرگذاری بر خواننده استفاده شده است و واژگان اغلب از نوع قاطع و قطعی هستند. به عنوان مثال، عبارت «مجدداً آمریکا را بزرگ کنیم» نه تنها پیام حمایت از ایده‌های خاص را انتقال می‌دهد، بلکه سعی در القای حس ملی‌گرایی و اهمیت به ارزش‌های سنتی دارد. این لحن تهاجمی و قطعی در سراسر متن مشهود است.

¹. <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/2024-republican-party-platform>

در سطح انتخاب واژه‌ها، مفاهیم به گونه‌ای انجام شده که به مفاهیمی مانند «میهن پرستی»، «قدرت ملی» و «بازگشت به ارزش‌های اصلی» تأکید داشته باشند. واژگان خاصی همچون «اول آمریکا»، «مردان و زنان فراموش شده» و «روح آمریکایی» به گونه‌ای طراحی شده‌اند که احساسات ملی‌گرایی را برانگیزند و خوانندگان را به نوعی هویت مشترک دعوت کنند. استفاده از کلمات «امنیت»، «احیا» و «دفاع» نیز نشان‌دهنده تمایل به بازسازی و محافظت از اصول قدیمی است.

سرانجام، تحلیل نوع عبارت نشان می‌دهد که ساختار جملات اغلب بلند و مرکب است و با تأکید بر آرمان‌ها و اهداف کلی حزب به صورت روشن و هدفمند تنظیم شده‌اند. همچنین، برخی از عبارات به شکل دستوری و با لحن قاطعانه بیان شده‌اند که نشان‌دهنده قصد القای اطمینان و تعهد به تحقق اهداف است. به عنوان مثال، عباراتی همچون «ما حفاری خواهیم کرد، عزیزم، حفاری خواهیم کرد»^۲ و «حمله مهاجرتی را متوقف کنید» به مخاطب احساس قدرت و جدیت را القا می‌کند.

۲-۴- ایدئولوژی‌های محافظه‌کارانه: بازتعریف قدرت از طریق ملی‌گرایی و ضد جهانی‌گرایی

در مرحله دوم تحلیل گفتمان وندایک، تمرکز بر تحلیل سیاست‌ها و ایدئولوژی‌های موجود در متن سند راهبردی حزب جمهوریخواه آمریکا قرار می‌گیرد. این سند، ضمن تأکید بر برخی از ایدئولوژی‌ها و سیاست‌ها، به بازتعریف قدرت موجود می‌پردازد و به ترویج ایدئولوژی‌های خاصی کمک می‌کند.

متن سند راهبردی جمهوریخواه با استفاده از واژگانی مانند «آمریکا اول»، «غرور ملی»، «مردان و زنان فراموش شده»، «روح آمریکایی» به تقویت حس ملی‌گرایی می‌پردازد. این مفاهیم به گونه‌ای طراحی شده‌اند که ارتباط احساسی با مخاطب برقرار کنند و تصویری مثبت از جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌ها و اصول آمریکایی ایجاد کنند. چنین استفاده‌ای از زبان می‌تواند به مشروعیت بخشیدن به قدرت‌های موجود کمک کند و احساس همبستگی و وحدت ملی را ترویج دهد. این سیاست‌های ملی‌گرایانه، به خصوص در بخش‌هایی که بر احیای صنعت داخلی، انرژی و تولیدات داخلی تأکید دارند، به صورت مکرر دیده می‌شود.

از سوی دیگر، یکی از نکات برجسته در متن، نقد شدید جهانی‌گرایی و سیاست‌های بین‌المللی است. متن حزب جمهوریخواه جهانی‌گرایی را به عنوان تهدیدی برای هویت و اقتصاد آمریکا معرفی می‌کند. عباراتی مانند «آوای فریبنده جهانی‌گرایی» و «توافقی‌های تجاری ناعادلانه» نشان‌دهنده این است که حزب جمهوریخواه جهانی‌گرایی را به عنوان مفهومی منفی و تهدیدآمیز برای منافع ملی به تصویر می‌کشد. این بخش‌ها از سند، نقش حزب جمهوریخواه را به عنوان مخالف جهانی‌گرایی و مدافع منافع ملی تقویت می‌کند.

همچنین، در بخش‌های مختلف این متن، انتقاد شدید از دولت فعلی، حزب دموکرات و قدرت‌های مخالف داخلی دیده می‌شود. جمهوریخواهان به دنبال زیر سؤال بردن مشروعیت

۱. این عبارت به عنوان رویکردی برای جلب نظر افرادی است که احساس می‌کنند صدای آنها شنیده نمی‌شود.

۲. به طور خاص به استفاده از منابع انرژی، به ویژه نفت و گاز، اشاره دارد.

سیاست‌های دموکرات‌ها، به ویژه در حوزه‌هایی مانند مهاجرت، اقتصاد و امنیت، هستند. در این متن، اشاره به سیاست‌هایی چون «مرزهای باز» و «تورم سرکش» نشان‌دهنده تقابل مستقیم با سیاست‌های دموکرات‌ها است. اینگونه نقدها به جمهوریخواهان مشروعیتی مضاعف می‌بخشد و آن‌ها را به عنوان ناجیانی معرفی می‌کند که قادر به بازگرداندن ارزش‌های اصیل و امنیت ملی هستند. آنها در این زمینه می‌گویند: «پس از نزدیک به چهار سال از ریاست‌جمهوری بایدن، آمریکا اکنون تحت تأثیر تورم سرکش، مرزهای باز، جرم و جنایت گسترده، حملات به کودکانمان و درگیری‌های جهانی، هرج و مرج و بی‌ثباتی قرار دارد».

سرانجام، جمهوریخواهان به شدت بر سیاست خارجی محافظه‌کارانه تأکید دارند که در قالب مفهوم «صلح از طریق قدرت» مطرح شده است. این بخش به دنبال بازگرداندن قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا و دفاع از منافع ملی در برابر تهدیدات خارجی است. آن‌ها بر اولویت قرار دادن منافع ملی، تقویت نظامی، مدرن‌سازی ارتش، و حمایت از هم‌پیمانان استراتژیک تأکید می‌کنند و سیاست‌های دولت بایدن را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی توصیف می‌نمایند: «سیاست خارجی ضعیف دولت بایدن ما را ناامن‌تر کرده و به سوژه‌ای برای تمسخر در سرتاسر جهان تبدیل کرده است. طرح جمهوریخواهان بازگرداندن صلح از طریق قدرت است؛ بازسازی نیروی نظامی و اتحاد‌های ما، مقابله با چین، شکست تروریسم، ساخت سپر دفاع موشکی گنبد آهنین، ترویج ارزش‌های آمریکایی، تأمین امنیت سرزمین و مرزها، و احیای پایه‌های صنعتی دفاعی ما».

۳-۴- تصویرسازی کنشگران: قهرمانان ملی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی

در مرحله سوم تحلیل گفتمان وندیک، تمرکز بر کنشگران و نقش‌های آنان در متن سند راهبردی حزب جمهوریخواه آمریکا قرار می‌گیرد. در این سند، کنشگران اصلی به دو دسته‌ی بازیگران مثبت و بازیگران منفی تقسیم می‌شوند که هر کدام به طور خاصی تصویرسازی شده‌اند تا به اهداف ایدئولوژیک و سیاسی حزب جمهوریخواه کمک کنند.

در این سند، حزب جمهوریخواه و رهبرانش به عنوان کنشگرانی مثبت و قهرمانان ملی توصیف می‌شوند. دونالد ترامپ به طور خاص به عنوان فردی شناخته می‌شود که روحیه ملی‌گرایی را بازآفرینی کرده و احیای اقتصادی و امنیتی را برای آمریکا به ارمغان آورده است. او به عنوان مدافع ارزش‌های ملی و منافع مردم آمریکا معرفی می‌شود. این تصویرسازی، جمهوریخواهان را به عنوان ناجیانی تصویر می‌کند که قادر به بازگرداندن شکوه و عظمت گذشته هستند. از مردم آمریکا نیز به عنوان «مردان و زنان فراموش شده» یاد می‌شود که نیازمند رهبری قوی هستند تا آن‌ها را از بحران‌ها و تهدیدها نجات دهند و در این ارتباط اشاره شده است که: «در سال ۲۰۱۶، رئیس‌جمهور دونالد جی. ترامپ به عنوان حامی بی‌قید و شرط مردم آمریکا انتخاب شد. او روح آمریکایی را دوباره زنده کرد و ما را به تجدید افتخار ملی فراخواند».

در طرف مقابل، دموکرات‌ها و به‌ویژه دولت بایدن به عنوان کنشگرانی منفی و تهدید برای امنیت و رفاه آمریکا توصیف می‌شوند. دموکرات‌ها به دلیل سیاست‌هایی همچون «مرزهای باز» و «سیاست‌های چپ‌گرا» به عنوان عاملان سقوط آمریکا و ایجاد بی‌ثباتی داخلی و بین‌المللی معرفی

می‌شوند. این تصویرسازی منفی، به جمهوریخواهان کمک می‌کند تا خود را به عنوان نیرویی که قصد دارد آمریکا را از بحران و آسیب‌های ناشی از سیاست‌های رقیب نجات دهد، مشروعیت بخشند و در این ارتباط استدلال می‌شود که: «جمهوریخواهان مرزها را امن خواهند کرد، مهاجران غیرقانونی را اخراج خواهند نمود و سیاست‌های مرزهای باز دموکرات‌ها را که هزینه‌های مسکن، آموزش و بهداشت را برای خانواده‌های آمریکایی بالا برده، معکوس خواهند کرد».

در بخش‌هایی از متن، سازمان‌های بین‌المللی و کشورهایمانند چین به عنوان عوامل تهدیدزا معرفی می‌شوند. جمهوریخواهان از این سازمان‌ها و کشورها به عنوان عوامل محدودکننده قدرت و استقلال آمریکا یاد می‌کنند. چین به طور خاص به عنوان تهدیدی برای اقتصاد و امنیت ملی آمریکا به تصویر کشیده شده و جمهوریخواهان با تأکید بر بازگرداندن تولیدات و صنایع به آمریکا، خود را به عنوان مدافع استقلال اقتصادی معرفی می‌کنند: «ما توانایی‌های اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک خود را تقویت خواهیم کرد تا از سبک زندگی آمریکایی در برابر تأثیرات منفی کشورهای که در سراسر جهان در برابر ما ایستاده‌اند، محافظت کنیم». همچنین، حزب جمهوریخواه بر ضرورت تقویت ائتلاف‌ها و بازگرداندن صلح به منطقه خاورمیانه تأکید می‌کند. در بخشی از سند، حمایت از اسرائیل و تلاش برای حفظ ثبات در منطقه خاورمیانه مورد تأکید قرار گرفته است. این رویکرد در راستای سیاست‌های محافظه کارانه آمریکا در خصوص خاورمیانه و برخورد با تهدیدهای منطقه‌ای است: «ما در کنار اسرائیل خواهیم ایستاد و به دنبال صلح در خاورمیانه خواهیم بود. ما شبکه اتحادهای خود را در این منطقه بازسازی خواهیم کرد تا آینده‌ای همراه با صلح، ثبات و شکوفایی را تضمین کنیم». این عبارت نشان‌دهنده تعهد حزب جمهوریخواه به حفظ روابط با متحدان کلیدی خود در خاورمیانه و تلاش برای مقابله با چالش‌های منطقه‌ای است.

سرانجام، مردم آمریکا نیز به عنوان کنشگرانی منفعل که باید با رهبری حزب جمهوریخواه همراه شوند تا کشور را به سمت احیای شکوه و عظمت سوق دهند، به تصویر کشیده شده‌اند. آن‌ها به عنوان نیروهای ملی‌گرا و علاقه‌مند به حفظ ارزش‌های آمریکایی معرفی می‌شوند و همراهی و حمایت آن‌ها از حزب به عنوان بخشی حیاتی از استراتژی حزب برای بازگشت به شکوه و عظمت آمریکا به تصویر کشیده می‌شود: «با هم، با عشق به کشورمان، ایمان به مردمان و اعتماد به لطف خداوند، آمریکا را دوباره بزرگ خواهیم کرد».

۴-۴- زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی: شکل‌گیری گفتمان جمهوریخواه در بستر رقابت و

بحران

در مرحله چهارم تحلیل گفتمان وندایک، بررسی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی که متن سند راهبردی حزب جمهوریخواه آمریکا در آن تولید شده است، کمک می‌کند تا درک بهتری از معانی و اهداف گفتمان به دست آید. این زمینه‌ها بر تولید، شکل‌دهی و همچنین دریافت این سند تأثیر می‌گذارند و محتوای آن را برای مخاطبان هدف گذاری شده قابل درک‌تر و پذیرفتنی‌تر می‌سازند. برخی از مهم‌ترین زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی که بر این متن تأثیر گذاشته‌اند عبارتند از:

این سند در فضایی تولید شده که رقابت شدید بین حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات آمریکا وجود دارد و تلاش می‌کند که جمهوریخواهان را به عنوان منجی و دموکرات‌ها را به عنوان عامل

بحران و بی‌ثباتی معرفی کند. در این زمینه، سیاست‌های جمهوریخواهان با تمرکز بر امنیت ملی، سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر تولید داخلی و ارزش‌های محافظه‌کارانه، به عنوان راه‌حل‌های بحران‌های موجود به تصویر کشیده می‌شوند. این زمینه سیاسی دوگانه، موجب ایجاد گفت‌وگوهای تقابلی در متن می‌شود که هدف آن ترغیب مخاطبان به حمایت از حزب جمهوریخواه است: «نسل‌های متوالی از میهن‌پرستان آمریکایی، روحیه آمریکایی قدرت، اراده و عشق به میهن را به کار گرفته‌اند تا بر چالش‌های ظاهراً غیرقابل عبور غلبه کنند».

همچنین، این سند در فضایی تولید شده که رقابت شدید بین حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات آمریکا وجود دارد و تلاش می‌کند که جمهوریخواهان را به عنوان منجی و دموکرات‌ها را به عنوان عامل بحران و بی‌ثباتی معرفی کند. در این زمینه، سیاست‌های جمهوریخواهان با تمرکز بر امنیت ملی، سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر تولید داخلی و ارزش‌های محافظه‌کارانه، به عنوان راه‌حل‌های بحران‌های موجود به تصویر کشیده می‌شوند. این زمینه سیاسی دوگانه، موجب ایجاد گفت‌وگوهای تقابلی در متن می‌شود که هدف آن ترغیب مخاطبان به حمایت از حزب جمهوریخواه است: «پیگردهای سیاسی به رهبری دموکرات‌ها، اصول و رویه‌های ۲۵۰ ساله آمریکایی را تهدید به نابود می‌کنند و باید متوقف شوند». برای مثال، فرهنگ سیاسی جمهوریخواهان بر محافظه‌کاری اجتماعی و دفاع از ارزش‌های خانوادگی استوار است. این سند با تأکید بر موضوعاتی چون «حقوق والدین»، مخالفت با «نظریات جنسیتی» و حمایت از «ارزش‌های سنتی خانواده» در تلاش است تا مخاطبانی را که به این ارزش‌ها پایبندند، به خود جذب کند. این امر ریشه در زمینه فرهنگی محافظه‌کارانه‌ای دارد که در آن ارزش‌های خانوادگی و مذهبی جایگاه بالایی دارند.

سرانجام، این سند در بستری از نگرانی‌های امنیت ملی و تهدیدهای بین‌المللی تولید شده که بسیاری از آمریکایی‌ها به آن حساس هستند. اشاره به کشورهایمانند چین و تهدیدهای مرتبط با مرزها و مهاجرت غیرقانونی نشان‌دهنده پاسخ به این نگرانی‌هاست. این سند سعی دارد که جمهوریخواهان را به عنوان محافظان مرزها و امنیت داخلی معرفی کند و از سیاست‌هایی حمایت کند که به امنیت ملی آمریکا کمک کند. این امر به ویژه برای مخاطبانی که از امنیت مرزها و تهدیدهای بین‌المللی نگران هستند، معنادار است: «جمهوریخواهان وضعیت ملت کاملاً مطلوب برای چین را لغو خواهند کرد، واردات کالاهای اساسی را به تدریج کاهش داده و از خرید املاک و صنایع آمریکایی توسط چین جلوگیری خواهند کرد». همچنین، در نبود ذکر مستقیم ایران در این سند، اما با توجه به ادبیات کلی متن و تأکید بر تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای و حفاظت از اسرائیل، می‌توان استنباط کرد که حزب جمهوریخواه همچنان به سیاست‌های سختگیرانه و مقابله‌جویانه نسبت به نفوذ ایران در خاورمیانه پایبند است. این موضع‌گیری غیرمستقیم، در قالب عباراتی نظیر «تقویت ائتلاف‌ها» و «برقراری صلح و ثبات» در خاورمیانه تجلی یافته است که به احتمال زیاد بر ممانعت از نفوذ ایران در منطقه نیز دلالت دارد.

۵-۴- تحلیل چندلایه گفت‌وگو: مقایسه تاریخی، فرهنگی و نظری سند راهبردی ۲۰۲۴
در مرحله چهارم تحلیل گفت‌وگو و ندایک و با تمرکز بر رویکردهای مختلف، می‌توان متن سند

راهبردی حزب جمهوریخواه آمریکا را از زوایای متفاوتی بررسی کرد. این رویکردها شامل مقایسه با متون مشابه، تأثیرات تاریخی و فرهنگی، و همچنین بهره‌گیری از نظریه‌های مختلف است که به درک عمیق‌تر و چندلایه از گفتمان کمک می‌کند.

در این راستا، اولاً این سند راهبردی در ادامه‌ی گفتمان ملی‌گرایی و ضدجهانی‌گرایی دوره ترامپ قرار دارد، اما با توجه به شرایط جدید مانند افزایش تنش‌ها با چین و مسائل امنیتی داخلی (نظیر مهاجرت غیرقانونی و جرم)، این رویکردها با شدت بیشتری دنبال می‌شوند: «حزب جمهوریخواه از سیاست اقتصادی میهن‌پرستانه 'اول آمریکا' حمایت می‌کند... ما متعهد به بازتبادل تجارت، تأمین استقلال راهبردی و احیای تولید داخلی هستیم». همچنین، در مقایسه با متون حزب دموکرات، سند راهبردی جمهوریخواه به جای تأکید بر عدالت اجتماعی و تنوع، بر استقلال اقتصادی، امنیت مرزی، و محافظت از ارزش‌های سنتی و خانوادگی متمرکز است: «دستور کار اقتصادی اول آمریکا بر پنج ستون استوار است: کاهش مقررات، کاهش مالیات‌ها، تأمین توافقات تجاری منصفانه، اطمینان از انرژی ارزان و قابل‌انکاف و حمایت از نوآوری». یا در جایی دیگر استدلال می‌شود که: «جمهوریخواهان از حق متمم اول قانون اساسی برای دعا و خواندن کتاب مقدس در مدارس حمایت خواهند کرد و در برابر کسانی که آزادی‌های مذهبی دانش‌آموزان آمریکایی را نقض می‌کنند، ایستادگی خواهند کرد».

همچنین این سند راهبردی به‌وضوح از زمینه‌های تاریخی و فرهنگی‌ای که برای بسیاری از طرفداران جمهوریخواه اهمیت دارند، بهره می‌برد. تأکید بر داستان‌های مربوط به «پدران بنیان‌گذار» و موفقیت‌های تاریخی آمریکا در مبارزه با امپراتوری بریتانیا، نازیسم، و کمونیسم شوروی، به دنبال بازآفرینی روحیه مقاومت و قدرت ملی است. این ارجاعات تاریخی به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که پیروزی‌های گذشته را به چالش‌های امروزی پیوند بزنند و این تصور را ایجاد کنند که حزب جمهوریخواه همچون گذشته توان مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی را دارد: «در روزهای نخست جمهوری ما، نسل بنیان‌گذار قدرتمندترین امپراتوری که جهان تا آن زمان به خود دیده بود را شکست داد».^۱

سرانجام، برای تحلیل عمیق‌تر، می‌توان از نظریه‌های گفتمان ایدئولوژیک بهره گرفت. از دیدگاه لوئی آلتوسر، ایدئولوژی به مثابه سازوکاری برای بیناکنشگری افراد عمل می‌کند، به این معنی که افراد به گونه‌ای خاص به ایدئولوژی‌های مسلط پاسخ می‌دهند. حزب جمهوریخواه با استفاده از عباراتی مانند «مردان و زنان فراموش شده» و «احیای روحیه ملی»، تلاش دارد مخاطبان را در جایگاه «قهرمانان» و «مدافعان ملت» قرار دهد و این ایدئولوژی را برای آن‌ها معنا کند. این نوع بازنمایی اجتماعی در تلاش است تا افراد را به عنوان بخشی از گفتمان حزب جمهوریخواه شناسایی کند: «مانند قهرمانانی که این ملت را پیش از ما ساختند و از آن دفاع کردند، ما هرگز تسلیم نخواهیم شد. ما کشورمان را که از مردم، به‌وسیله مردم و برای مردم است، احیا خواهیم کرد. آمریکا را دوباره بزرگ خواهیم کرد».

^۱ این جمله به پیروزی نسل بنیان‌گذاران آمریکا بر امپراتوری بریتانیا در آغاز تاریخ جمهوری اشاره دارد.

۶-۴- پیامدهای گفتمان جمهوریخواه: تأثیرات اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی سند ۲۰۲۴
در مرحله ششم تحلیل گفتمان وندایک و بررسی تبعات و پیامدهای اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی، می‌توان به این نتیجه رسید که سند راهبردی حزب جمهوریخواه آمریکا، در صورت اجرا، ممکن است تأثیرات متعددی بر افکار عمومی داخلی، سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی آمریکا، و حتی بر معادلات منطقه‌ای و جهانی داشته باشد. برخی از مهم‌ترین پیامدهای احتمالی این گفتمان عبارتند از:

سند راهبردی حزب جمهوریخواه با تمرکز بر ارزش‌های ملی‌گرایانه، محافظه‌کارانه و ضدجهانی‌گرایی، سعی دارد افکار عمومی را به سمت حمایت از ایدئولوژی «اول آمریکا» سوق دهد. این گفتمان، مخاطبان را در جایگاه «قهرمانان» و «مدافعان» کشور قرار می‌دهد و حس میهن‌پرستی و نیاز به «نجات کشور» را تقویت می‌کند. این امر می‌تواند به بسیج عمومی و افزایش حمایت از سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی، نظامی و اقتصادی منجر شود. علاوه بر این، تمرکز بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی فعلی، مانند مهاجرت و افزایش جرم، می‌تواند در بخشی از جامعه که از وضعیت کنونی ناراضی است، احساس امنیت و همبستگی بیشتری ایجاد کند. در همین راستا، سند راهبردی اشاره می‌کند که: «ما آمریکا را دوباره بزرگ خواهیم کرد. ما ملتی خواهیم بود مبتنی بر حقیقت، عدالت و عقل سلیم». این جمله بر بازگرداندن اصول اساسی مانند حقیقت و عدالت به عنوان ارزش‌های محوری کشور تأکید دارد. همچنین، رویکرد حزب جمهوریخواه به محافظت از ارزش‌های سنتی و دفاع از خانواده و مذهب در برابر تغییرات فرهنگی مدرن، می‌تواند به شکل‌گیری یک فضای فرهنگی بسته‌تر و محافظه‌کارتر در آمریکا منجر شود. این امر می‌تواند بر موضوعاتی مانند آموزش، آزادی‌های فردی، و حقوق اجتماعی تأثیر بگذارد و باعث افزایش تقابل بین گروه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه میان طرفداران لیبرال و محافظه‌کار شود: «ما مردان را از ورزش‌های زنان خارج خواهیم کرد، تأمین مالی مالیات‌دهندگان برای جراحی‌های تغییر جنسیت را ممنوع خواهیم کرد و از مدارس تأمین مالی‌شده توسط مالیات‌دهندگان خواهیم خواست که ترویج انتقال جنسیتی را متوقف کنند».

از سوی دیگر، اگر این سیاست‌ها در سطح دولتی به اجرا گذاشته شوند، می‌تواند تغییرات جدی در سیاست‌های داخلی به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، آموزشی، و مهاجرتی ایجاد کنند. برای مثال، اجرای سیاست‌های سختگیرانه در قبال مهاجرت و تکمیل دیوار مرزی، تغییرات جدی در قوانین مهاجرتی و همچنین تقویت اجرای قانون در سطح محلی را به همراه خواهد داشت. در حوزه اقتصادی، تأکید بر تولید داخلی و خوداتکایی می‌تواند به افزایش تعرفه‌ها بر کالاهای خارجی و کاهش وابستگی به واردات، به‌ویژه از چین، منجر شود: «جمهوری‌خواهان از تعرفه‌های پایه بر کالاهای تولید شده در خارج حمایت خواهند کرد... با افزایش تعرفه‌ها بر تولیدکنندگان خارجی، مالیات‌ها بر کارگران، خانواده‌ها و کسب‌وکارهای آمریکایی می‌تواند کاهش یابد». همچنین، این گفتمان و سیاست‌های مرتبط با آن می‌تواند پیامدهای مهمی در سطح بین‌المللی و به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و آسیا داشته باشد. در خاورمیانه، حمایت قاطعانه از اسرائیل و تأکید بر مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای ممکن است به افزایش تنش‌ها در این منطقه منجر شود. همچنین، افزایش سیاست‌های تقابلی در قبال چین، از جمله

لغو وضعیت «ملت کاملاً مطلوب» و جلوگیری از خرید زیرساخت‌های آمریکا توسط چین، می‌تواند به تعمیق اختلافات اقتصادی و استراتژیک بین دو کشور و افزایش رقابت‌های جهانی منجر شود.

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان انتقادی سند راهبردی حزب جمهوریخواه آمریکا نشان می‌دهد که این سند به طور خاص در پی بازآفرینی ارزش‌های ملی‌گرایانه و محافظه‌کارانه است. این امر در چارچوب نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی به خوبی قابل تبیین است، زیرا حزب جمهوریخواه تلاش می‌کند تا به جای استفاده مستقیم از قدرت، از طریق ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، هژمونی خود را ایجاد و تقویت کند. گرامشی معتقد است که ایدئولوژی‌های هژمونیک با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی و اجتماعی می‌توانند افکار عمومی را به نفع ساختارهای قدرت موجود متقاعد کنند. سند حزب جمهوریخواه نیز با بهره‌گیری از مفاهیمی مانند «آمریکا اول» و «غرور ملی» تلاش دارد تا مخاطبان را در جایگاه «قهرمانان ملی» قرار دهد و بدین وسیله ارزش‌های محافظه‌کارانه و ملی‌گرایانه را به عنوان اصول طبیعی و مشروع جامعه آمریکا معرفی کند. این امر با تحلیل‌های پیشین، مانند یافته‌های میکلت‌ویت و وول‌دریج (۲۰۰۵)، همخوانی دارد که محافظه‌کاری آمریکایی را به عنوان نیروی مؤثر برای حفظ ساختارهای قدرت و جذب حمایت عمومی معرفی می‌کند.

در ادامه، رویکرد حزب جمهوریخواه به جذب مخاطبان از طریق مفاهیم هویت‌سازی و ارزش‌های محافظه‌کارانه، با نظریه ایدئولوژی و بیناکشگری آلتوسر هم‌راستاست. آلتوسر تأکید دارد که ایدئولوژی‌ها از طریق خطاب مستقیم به مخاطبان، آن‌ها را به عنوان حاملان ایدئولوژی تعریف و تثبیت می‌کنند. در سند حزب جمهوریخواه، مخاطبان با عباراتی مانند «مردان و زنان فراموش‌شده» یا «مدافعان روح آمریکایی» تعریف می‌شوند، که این تعریف‌گذاری نه تنها به تقویت هویت ملی آن‌ها منجر می‌شود، بلکه به نوعی حمایت از ارزش‌های محافظه‌کارانه نیز اشاره دارد. از دیدگاه آلتوسر، چنین رویکردی می‌تواند به ایجاد همبستگی و تعلق‌خاطری ساختاری در جامعه منجر شود که افراد را به طور ناخودآگاه به پذیرش ارزش‌ها و باورهای محافظه‌کارانه و ضد جهانی‌گرایی سوق می‌دهد. این بیناکشگری می‌تواند به نوعی از حمایت غیرمستقیم و ناخودآگاه از ساختارهای قدرت و ایدئولوژی‌های حزب منجر شود، به گونه‌ای که این ارزش‌ها به صورت طبیعی و مسلم به نظر آیند و مشروعیت یابند.

در سطح بین‌المللی و با تمرکز بر سیاست خارجی، سند حزب جمهوریخواه رویکردی مبتنی بر واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل را در پیش گرفته است. این رویکرد که توسط ویول (۲۰۱۷) توصیف شده، بر امنیت ملی و حفظ قدرت در نظام آنارشیک جهانی تأکید دارد. حزب جمهوریخواه با تأکید بر اولویت‌گذاری منافع ملی و تقویت نیروی نظامی، تلاش می‌کند مخاطبان را متقاعد کند که امنیت و ثبات داخلی از طریق قدرت‌افزایی در برابر تهدیدات بین‌المللی قابل حفظ است. این رویکرد به ویژه در تقابل با جهانی‌گرایی، از دیدگاه فتر (۲۰۲۲) به عنوان پاسخی به تهدیدات اقتصادی و امنیتی مطرح می‌شود و نشان می‌دهد که حزب جمهوریخواه، با تمرکز بر توانمندسازی اقتصادی و تولید داخلی، به دنبال کاهش وابستگی به کشورهای دیگر و تقویت استقلال اقتصادی آمریکاست. این استراتژی با

ایجاد حس حمایت و همبستگی ملی، توجه مخاطبان را به لزوم تقویت هویت ملی و تقابل با تهدیدهای خارجی جلب می‌کند، و به این ترتیب، حمایت افکار عمومی را از سیاست‌های محافظه‌کارانه تقویت می‌کند.

تحلیل گفتمان این سند همچنین با نظریه گفتمان لاکلا و موفه همخوانی دارد، که تأکید بر دوگانه «ما» در برابر «آن‌ها» را به عنوان راهی برای تفکیک ارزش‌های داخلی از تهدیدات خارجی یا داخلی مورد بحث قرار می‌دهند. در این سند، حزب جمهوریخواه با استفاده از مفاهیمی چون «آمریکا اول» و انتقاد شدید از سیاست‌های جهانی‌گرا، مرزهایی بین ارزش‌های خودی و تهدیدهای دیگران ترسیم می‌کند. این دوگانه‌سازی، که نوعی گفتمان هویتی است، به جمهوریخواهان اجازه می‌دهد که خود را به عنوان مدافعان ملت و دموکرات‌ها یا نیروهای جهانی‌گرا را به عنوان تهدید معرفی کنند. این استراتژی نه تنها به بسیج افکار عمومی و تقویت هویت جمعی کمک می‌کند، بلکه در کاهش اعتماد عمومی به سیاست‌های لیبرال و جهانی‌گرا نیز نقش موثری دارد و در نتیجه، به مشروعیت‌بخشی به گفتمان محافظه‌کارانه کمک می‌کند.

سرانجام، سند حزب جمهوریخواه با تمرکز بر ارزش‌های سنتی و مخالفت با جهانی‌گرایی، تصویری از جامعه‌ای مطلوب بر اساس هنجارهای محافظه‌کارانه و ملی‌گرایانه ارائه می‌دهد. این سیاست‌ها که در پیشینه تجربی مانند مطالعه فرناندز-وازکز (۲۰۱۴) و فوگان (۲۰۱۸) به عنوان ابزاری برای تثبیت تصویر حزب در اذهان عمومی توصیف شده‌اند، به دنبال بازنمایی حزب به عنوان نیرویی برای بازگشت به ارزش‌های اصلی و مقابله با تهدیدات مدرن‌اند. این گفتمان، حزب جمهوریخواه را به عنوان ناجی ملت و محافظ ارزش‌های آمریکایی معرفی می‌کند و به شکل‌گیری دیدگاه‌های انتقادی نسبت به جریان‌های لیبرال و جهانی‌گرا کمک می‌کند.

منابع فارسی

۱. جلالی بارنجی، ح؛ یوسفی، ب؛ شهابی، ر؛ و عامری گلستانی، ح. (۱۴۰۲). مقایسه رویکرد سیاست خارجی آمریکا به نظام بین‌الملل در دوران ریاست جمهوری اوباما و ترامپ بر اساس نظریه رئالیسم تهاجمی-تدافعی. *مطالعات بین‌المللی*، ۱۹(۴)، ۲۶۵-۲۴۵.
۲. ظریف، م. ج؛ و افجه‌ای، س. ج. (۱۴۰۲). کارزار ترامپ برای بازآزمیته سازی ایران. *مطالعات بین‌المللی*، ۲۰(۲)، ۲۸۵-۲۳۵.
۳. فلاحی، س؛ و حیدری، ن. (۱۳۹۸). واکاوی سیاست خارجی دونالد ترامپ با تأکید بر هژمونی نظم جهانی لیبرال، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۱(۳۹)، ۷۹-۵۹.
۴. نوری‌پور، ع. (۱۴۰۲). مولفه‌های گفتمان ترامپ در سیاست داخلی آمریکا، *امنیت بین‌الملل*، ۶(۵۴)، ۶۵-۵۱.

English References

1. Dabirimehr, A., & Fatmi, M. T. (2014). Laclau and Mouffe's Theory of Discourse. *Journal of Novel Applied Sciences*, 3(11), 1283-1287.

2. Dukalskis, A., & Lee, J. (2020). Everyday nationalism and authoritarian rule: A case study of North Korea. *Nationalities Papers*, 48(6), 1052-1068.
3. Fagan, E. J. (2018). Marching orders? US party platforms and legislative agenda setting 1948–2014. *Political Research Quarterly*, 71(4), 949-959.
4. Fernandez-Vazquez, P. (2014). And yet it moves: The effect of election platforms on party policy images. *Comparative Political Studies*, 47(14), 1919-1944.
5. Howarth, D. (2015). Gramsci, Hegemony and Post-Marxism. In: McNally, M. (Eds) *Antonio Gramsci. Critical Explorations in Contemporary Political Thought*. Palgrave Macmillan, London. https://doi.org/10.1057/9781137334183_11
6. Mandelbaum, M. M. (2023). Interpellation and the Politics of Belonging: A Psychoanalytical Framework. *International Studies Quarterly*, 67(3), sqad055.
7. Mauer, B. (2017). *Notes on Althusser: Ideology and interpellation*. Texta and Technology Blog. Retrieved from <https://cah.ucf.edu>
8. Micklethwait, J., & Wooldridge, A. (2005). *The right nation: Conservative power in America*. Penguin.
9. Republican Party. (2024). *2024 Republican Party Platform: Make America Great Again!*, from <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/2024-republican-party-platform>
10. Reisingl, M. (2013). Critical discourse analysis. In R. Bayley, R. Cameron, & C. Lucas (Eds.), *The Oxford handbook of sociolinguistics* (Oxford Handbooks). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199744084.013.0004>
11. Robin, C. (2018). *The reactionary mind: conservatism from Edmund Burke to Donald Trump*. Oxford University Press.
12. Scheiring, G., Serrano-Alarcón, M., Moise, A., McNamara, C., & Stuckler, D. (2024). The populist backlash against globalization: A meta-analysis of the causal evidence. *British Journal of Political Science*, 1-25.
13. Shah, S. Z. H. (2018). Althusser on Law's Subject: Revisiting Interpellation and the Jurisprudence of Ideology. *ISLRev*, 5(1), 3-13.
14. Torfing, J. (2003). The Linguistic Turn: Foucault, Laclau, Mouffe, and Žižek. In T. Janoski, R. R. Alford, A. M. Hicks, & M. A. Schwartz (Eds.), *The Handbook of Political Sociology: States, Civil Societies, and Globalization* (pp. 153–171). Chapter, Cambridge: Cambridge University Press.
15. Van Dijk, T. A. (1997). The study of discourse. *Discourse as structure and process*, 1(34), 703-52.
16. Van Dijk, T. A. (2010). *Discourse and Context: A Sociocognitive Approach*. United Kingdom: Cambridge University Press.

Translated References to English

1. Jalali Barenji, M. R., Yousefi, B., Shahabi, R. and Ameri Golestani, H. (2023). Comparison of the US Foreign Policy Approach to the World Order during Obama's and Trump's Presidency Based on the Theories of Offensive and Defensive Realism. *International Studies Journal (ISJ)*, 19(4), 245-265. **(In Persian)**
2. Dabirimehr, A., & Fatmi, M. T. (2014). LACLAU and Mouffe's Theory of Discourse. *Journal of Novel Applied Sciences*, 3(11), 1283-1287.
3. Dukalskis, A., & Lee, J. (2020). Everyday nationalism and authoritarian rule: A case study of North Korea. *Nationalities Papers*, 48(6), 1052-1068.
4. Fagan, E. J. (2018). Marching orders? US party platforms and legislative agenda setting 1948–2014. *Political Research Quarterly*, 71(4), 949-959.
5. Falahi, Sara, & Heidari, Nosrat Allah. (2019). an examination of Donald Trump's foreign policy with an emphasis on the hegemony of the liberal world order. *Political and International Scientific and Research Quarterly*, 11(39), 59-79. **(In Persian)**
6. Fernandez-Vazquez, P. (2014). And yet it moves: The effect of election platforms on party policy images. *Comparative Political Studies*, 47(14), 1919-1944.
7. Howarth, D. (2015). Gramsci, Hegemony and Post-Marxism. In: McNally, M. (Eds) *Antonio Gramsci. Critical Explorations in Contemporary Political Thought*. Palgrave Macmillan, London.
8. Mandelbaum, M. M. (2023). Interpellation and the Politics of Belonging: A Psychoanalytical Framework. *International Studies Quarterly*, 67(3), sqad055.
9. Mauer, B. (2017). *Notes on Althusser: Ideology and interpellation*. Texta and Technology Blog. Retrieved from <https://cah.ucf.edu>
10. Micklethwait, J., & Wooldridge, A. (2005). *The right nation: Conservative power in America*. Penguin.
11. Nouripour, A. (2023). The Components of Trumpism Discourse in U.S. Domestic Policy. *International Security*, 6(54), 51-65. **(In Persian)**
12. Reisigl, M. (2013). Critical discourse analysis. In R. Bayley, R. Cameron, & C. Lucas (Eds.), *The Oxford handbook of sociolinguistics* (Oxford Handbooks). Oxford University Press.
13. Republican Party. (2024). *2024 Republican Party Platform: Make America Great Again!*, from <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/2024-republican-party-platform>
14. Robin, C. (2018). *The reactionary mind: conservatism from Edmund Burke to Donald Trump*. Oxford University Press.

15. Scheiring, G., Serrano-Alarcón, M., Moise, A., McNamara, C., & Stuckler, D. (2024). The populist backlash against globalization: A meta-analysis of the causal evidence. *British Journal of Political Science*, 1-25.
16. Shah, S. Z. H. (2018). Althusser on Law's Subject: Revisiting Interpellation and the Jurisprudence of Ideology. *ISLRev*, 5(1), 3-13.
17. Torfing, J. (2003). The Linguistic Turn: Foucault, Laclau, Mouffe, and Žižek. In T. Janoski, R. R. Alford, A. M. Hicks, & M. A. Schwartz (Eds.), *The Handbook of Political Sociology: States, Civil Societies, and Globalization* (pp. 153–171). Chapter, Cambridge: Cambridge University Press.
18. Van Dijk, T. A. (1997). The study of discourse. *Discourse as structure and process*, 1(34), 703-52.
19. Van Dijk, T. A. (2010). *Discourse and Context: A Sociocognitive Approach*. United Kingdom: Cambridge University Press.
20. Zarif, M. J. and Afjehi, S. J. A. (2023). Trump's Campaign to Re-secure Iran. *International Studies Journal (ISJ)*, 20(2), 235-285. **(In Persian)**

